

یادگیری از کتاب «تعلیم المتعلم طریق التعلّم»

معرفی مقاله

نوشته: برهان‌الدین زرنوجی
ترجمه و شرح: دکتر علی نقی فقیهی

کتاب "تعلیم المتعلم طریق التعلّم" زرنوجی از جمله کتابهای بالارزش در زمینه برخی از مسائل روان‌شناسی و تربیتی است. موضوعهای یادگیری، انگیزه‌های بالارزش متعلم از یادگیری و عوامل پیشرفت تحصیلی از مهم‌ترین مباحثی است که در این کتاب مورد بحث قرار گرفته است. هدف این مقاله شرح و بیان گویایی از این مسائل است.

در این مقاله پس از بیان لزوم یادگیری و تقسیم‌بندی علوم و معارف بشری از حیث ضرورت یادگیری، ابتدا از شش انگیزه بالارزش در یادگیری و سپس از دورانهای تحصیل سخن گفته می‌شود. نویسنده گرچه دوران تحصیل را به دوره‌ای خاص محدود نمی‌کند، ولی دوره‌های کودکی، نوجوانی و اوایل دوره جوانی را بهترین دوره‌های تحصیل معرفی می‌کند. از نظر زرنوجی عوامل پیشرفت تحصیلی موضوع دیگری است که باید مورد توجه قرار گیرد. او نه عامل را موجب پیشرفت تحصیلی می‌داند و عدم توجه به آنها را باعث افت تحصیلی می‌شمارد.

این مقاله را آقای دکتر علی نقی فقیهی نوشته و در اختیار فصلنامه قرار داده است که به این وسیله از ایشان قدردانی می‌شود.

«فصلنامه»

مقدمه

ترجمه و تبیین آرای متفکران و مربیان مسلمان، خدمت به پیشرفت علم و بویژه تعلیم و تربیت است. برهان الدین زرنوجی دانشمندی است که به دلیل تنها اثر تربیتی اش یعنی «تعلیم المتعلم طریق التعلیم» به عنوان فیلسوف و عالم تربیتی مشهور شد. وی اهل شهر زرنوج در ماوراءالنهر، واقع در ترکستان شرقی و در آسیای مرکزی است. (لغت نامه دهخدا) تاریخ وفات وی (۱) ۵۷۱ یا ۵۹۱ هـ ق (۱۳۱۴ میلادی) و ... (۲) ذکر شده است.

او در فقه و تعلیم و تربیت استادان متعددی، از قبیل برهان الدین علی بن ابی بکر فرغانی (۳)، مرغینانی (متوفای ۵۹۳ هـ ق - ۱۱۹۷ م) (۴) و فخرالاسلام حسن بن منصور فرغانی قاضی خان (۵) (متوفای ۵۹۲ هـ ق - ۱۱۹۷ م)، داشته است که به صورت مستقیم تحت تعلیم و تربیت آنان قرار گرفته است. آرای زرنوجی در هشت قرن گذشته مورد توجه دانشمندان بوده است؛ به همین دلیل شرحها و تعلیقه‌های متعددی بر کتاب وی نوشته شده است و متن عربی آن نیز به زبانهای لاتین و انگلیسی ترجمه و در آلمان، لایپزیک و لندن منتشر گردیده است.

در مقاله حاضر بیشتر بخشهای این کتاب شرح داده می‌شود و آرای زرنوجی در یادگیری و تقسیم‌بندی علوم از حیث ضرورت یادگیری، انگیزه‌های یادگیری، دوران تحصیل و عوامل مهم در پیشرفت تحصیلی به ترتیب تبیین می‌گردد.

۱- ضرورت یادگیری

موضوع تحصیل علم و یادگیری بخش عظیمی از کتاب زرنوجی را تشکیل می‌دهد. او بر لزوم تعلم و تحصیل تأکید می‌ورزد و آن را وظیفه همگانی مسلمانان می‌داند و برای کسانی که از نظر جسمانی و روانی سالم‌اند، هیچ عذری را در ترک تحصیل نمی‌پذیرد و معتقد است نباید هیچ مانعی افراد را از تعلم باز دارد و به ترک تحصیل بکشاند؛ بلکه افراد باید در برابر موانع، ایستادگی کنند و سختیها را تحمل نمایند و تمام توان خود را به کار گیرند تا موفق به تعلم بشوند. وی از ابویوسف (۶)، به عنوان فرد نمونه و مقاوم یاد می‌کند که با وجود فقر زیاد و سختی فراوان در زندگی، از تحصیل و فراگیری علوم باز نماند و مدارج علمی را یکی پس از دیگری با موفقیت پشت سر گذاشت تا ققیهی نامدار گردید. (زرنوجی، ص ۲ و ۱۴).

زرنوجی علوم را از حیث لزوم فراگیری و تأثیر آنها در زندگی انسان، به چند نوع تقسیم می‌کند: (زرنوجی، ص ۲).

الف. علومی که همانند غذا، همیشه در طول زندگی انسانی کارساز و مؤثرند؛ مانند علم

دین و اخلاق که لازمه حیات معنوی و شخصیت انسانی است و هیچ کس و هیچ وقت از آن بی نیاز نیست. تعلم و یادگیری چنین علمی از وظایف همگان به شمار می آید و از نظر قهقی بر هر فردی واجب عینی است. از نظر عقل و شرع، هر دو، لازم است که افراد براساس نظام تعلیم و تربیت صحیح پرورش یابند و در جهت نیل به هدفهای شایسته تلاش کنند؛ این مهم بدون تعلم و یادگیری علم و دین و اخلاق میسر نیست.

ب. علمی که به منزله دارو برای بدن هستند و افراد گاه به آن نیازمندند. این علوم در زندگی افراد نقش مؤثری ایفا می کنند. البته چنین نیست که همه کس و در همه شرایط و موقعیتهای زندگی به آن نیازمند باشند؛ بلکه در مجموع، جامعه به این علوم نیازمند است. ضرورت و وجوب چنین علمی کفایی است و اگر عده ای آنها را فراگیرند و پاسخ گوی نیاز افراد جامعه باشند، از عهده دیگران ساقط می شود؛ اما اگر هیچ کس به فراگیری این نوع علوم اقدام نکند، همگان گناهکارند. لازم است رهبر جامعه، به تعداد کفایت افرادی را به تعلم این علوم و ادار سازد و زمینه تخصص آنان را فراهم آورد تا در مواقع نیاز ایفای نقش کنند.

زرنوجی علوم پزشکی و داروسازی را مصداق این دسته از علوم معرفی می کند و می گوید علم طب، علم بدن است که همانند علم دین برای زندگی ضرورت دارد و از نظر دینی سببی از اسباب نظام آفرینش خداوند به حساب می آید و بهره برداری از آن بدون اشکال است؛ زیرا پیامبر (ص) خود را از این علم استفاده می نمود و برای بهبود بیماری و شفا، دارو تناول می کرد. (زرنوجی، ص ۲).

پ. علمی که تعلم آنها نه تنها لزومی ندارد، بلکه در مواردی حرام است. این نوع علوم، برای بشر به منزله بیماری و درد است و نه تنها سودمند نیست، بلکه زیان آور است و فرد و جامعه را به فساد و تباهی می کشاند.

زرنوجی برای این دسته از علوم، بخشی از علم نجوم را مثال می زند، زیرا عده ای برای پیش گویی های بدون دلیل و اغفال و انحراف مردم از آن استفاده می کردند (زرنوجی، ص ۲). وی ملاک جواز و عدم جواز تعلم علوم را سودمندی و زیانمندی آن برای فرد و جامعه می داند و معتقد است در یک علم، اگر یک بخش زیان مند باشد و بخش دیگر سودمند، فقط آن بخش زیان مند حرام است. او با همین ملاک، تعلم بخش دیگری از علم نجوم را جایز می داند و آن عبارت است از بخشی که زمینه شناخت قبله و وقتیهای نماز و نظایر آن را فراهم می سازد.

۲- انگیزه های یادگیری

زرنوجی فصل اول کتاب خود را به بحث درباره انگیزه یادگیری در متعلم اختصاص

داده است. وی در این فصل با ذکر انگیزه‌های مطلوب یادگیری، تعلم را با تربیت و فراگیری را با معنویت مرتبط و هماهنگ می‌سازد. او به پیروی از حضرت رسول اکرم (ص) که فرمود: «أَتَمَّا الْأَعْمَالُ بِالْثَّيَاتِ» معتقد است ارزش هر عمل به انگیزه آن وابسته است. چهره ظاهری رفتار نشانگر ارزش واقعی آن عمل نیست. بسیاری از اعمالی که ظاهری زیبا دارند، ولی واقعاً ارزشمند نیستند؛ چون انگیزه خوبی از آن در فاعل وجود ندارد. همچنین ممکن است از کسی اعمالی صادر شود که ظاهری خوش و زیبا ندارند، ولی واقعاً ارزشمندند؛ زیرا فاعل آنها را با انگیزه خوب انجام داده است.

زرنوجی این مضمون را به صورت زیر از حضرت پیامبر (ص) نقل می‌کند: «كَمْ مِنْ عَمَلٍ يَتَصَوَّرُ بِصُورَةِ أَعْمَالِ الدُّنْيَا وَ يَصِيرُ بِحَسَنِ النَّيَّةِ مِنْ أَعْمَالِ الْآخِرَةِ وَ كَمْ مِنْ عَمَلٍ يَتَصَوَّرُ بِصُورَةِ أَعْمَالِ الْآخِرَةِ ثُمَّ يَصِيرُ مِنْ أَعْمَالِ الدُّنْيَا بِسُوءِ النَّيَّةِ»؛ یعنی «چه بسیاری از کارهایی که چهره دنیوی دارند، ولی به دلیل انگیزه خوب از اعمال آخرتی می‌شوند و چه بسیاری از کارهایی که به ظاهر چهره آخرتی دارند، ولی به دلیل بدی انگیزه واقعاً از اعمال دنیوی‌اند». زرنوجی با توجه به این اصل که عمل فاعل مختار بدون انگیزه نیست، اعتقاد دارد که باید متعلم یاد بگیرد که انگیزه اصلی خویش را از یادگیری و تحصیل، امور باارزش و مرتبط باکمال شایسته و نیز هدفهای تربیتی بداند و با انگیزه‌های خوب، اعمال و رفتار خود را شایسته و ارزشمند بسازد.

انگیزه‌های باارزش، در نظر زرنوجی عبارتند از:

الف. رضای پروردگار

متعلم باید توجه کند که خداوند متعال دوست دارد بندگانش به جستجوگری علمی پردازند تا آنچه را بایسته است یاد بگیرند؛ بویژه علوم و معارفی را که با مقام ربوبی ارتباط مستقیم دارد. بنابراین وی باید انگیزه اصلی خویش را از تعلم، رضای پروردگار قرار دهد و برای خشنودی او به کسب علم اقدام کند.

ب. انگیزه آخرتی

انگیزه متعلم از یادگیری نباید امور پست و بی‌ارزش یا کم ارزش دنیوی باشد؛ مثلاً برای جلب توجه مردم یا به دست آوردن مقامهای اعتباری و کسب درآمد زیاد و... به دنبال فراگیری علم برود؛ بلکه باید توجه او به آخرت معطوف شود و به انگیزه زندگی شایسته و دائمی آن جهان به یادگیری و اندیشه‌ورزی پردازد. این انگیزه باعث می‌شود یادگیری متعلم رنگ معنوی به خود بگیرد و ارزشمند شود. متعلم با این انگیزه، هرگز آنچه را که یاد می‌گیرد به زیان جامعه به کار نمی‌برد، بلکه برای خدمت به مردم و ارتقای کمال خود و جامعه از آن استفاده می‌کند.

پ. انگیزه نيل به تقوا و زهد واقعی

از آنجا که علم مقدمه عمل و تعلّم زمینه‌ساز تهذّب و تقواست، باید یکی از انگیزه‌های مهم متعلم در فراگیری، تهذیب نفس و کسب تقوا باشد. متعلم با این انگیزه به کسب علم به عنوان هدف نمی‌نگرد و ارزش واقعی آن را با میزان نتایج معنوی و تقوایی آن در ارتباط می‌داند و در کنار تعلّم به تهذیب نفس نیز می‌پردازد و در طول تحصیل، به تدریج مراتب تقوا را یکی پس از دیگری در خود پدید می‌آورد. براین اساس هنگامی که فارغ‌التحصیل می‌شود و مسؤولیت می‌پذیرد، با تعهد تقوایی به انجام وظیفه می‌پردازد. انگیزه زهد نیز باعث می‌شود متعلم دنیا را با ارزش نینگارد و آن را هدف نداند و دلسته آن نگردد و بدون اسراف و هدر دادن امکانات، برای ارتقای علمی و کسب فضایل، از آنها استفاده کند. چنین فردی در کنار تحصیل، به تدریج نسبت به دنیا بی‌رغبت می‌شود و ملکه زهد را در نفس خود پدید می‌آورد. با این وصف، به هنگام برخورداری از قدرت و مقام هرگز حاضر نمی‌شود از آن سوءاستفاده کند یا به حق کسی تجاوز نماید. او حتی در مصرف بیت‌المال هم احتیاط می‌کند. در حقیقت، وی با این انگیزه به اهدافی چند از اهداف عالی تربیتی نائل می‌شود.

ت. انگیزه احیای دین و ابقای اسلام

زرنوجی درباره متعلم در جامعه دینی و اسلامی سخن می‌گوید و یکی از انگیزه‌های تحصیل را احیای فرهنگ دینی و اسلامی ذکر می‌کند. او معتقد است همان‌طور که معلمان احساس مسؤولیت و تکلیف کرده‌اند و تعلیم و تربیت نسلهای گذشته را به متعلمان انتقال داده‌اند، آنان نیز باید در نظر داشته باشند که پس از یادگیری، این وظیفه را نسبت به نسلهای آینده انجام دهند.

این انگیزه باید در طول تحصیل در متعلمان پدید آید و رشد کند تا پس از فراگیری کامل آن مسؤولیت خود را در احیای دین ایفا نمایند و تمامی توان خویش را در اشاعه و نشر فرهنگ اسلامی به کار گیرند.

ث. انگیزه لذت‌تعلّم و آموزش به دیگران

از آنجا که انسان دانش‌طلب و حقیقت‌جو است، زدودن جهل از خود برایش امری مطلوب و دوست‌داشتنی است؛ از این رو به فراگیری روی می‌آورد و از آن لذت می‌برد و هر قدر بیشتر و بهتر بیاموزد، علم برایش لذت بیشتری پیدا می‌کند.

زرنوجی می‌گوید: لذت یادگیری و فهم حقایق برای شخص عاقل کافی است که او را به تحصیل علم ترغیب نماید. (زرنوجی، ص ۱۰).

متعلم علاوه بر این که انگیزه‌اش از تعلّم باید زدودن جهل از خود باشد، این راه هم باید بداند که آموزش به دیگران و زدودن جهل از آنان نیز امری مطلوب و لذت‌بخش است و از اهداف تربیتی به حساب می‌آید. بنابراین، این انگیزه را نیز نباید از نظر دور بدارد. (زرنوجی،

ج. انگیزه شکر و سپاس

زرنوجی شکر و سپاس خداوندی را یکی دیگر از انگیزه‌های یادگیری ذکر می‌کند و معتقد است متعلم باید توجه داشته باشد که ابزار شناخت و سلامتی بدن نعمتهای اعطایی خداوند است که شکر و سپاس او را می‌طلبد و ضرورت دارد هر فردی در برابر نعمتهای الهی شاکر باشد. جستجوگری علمی و کسب معرفت از مصادیق بارز شکر این‌گونه نعمتها است و تعلم همان شکر عملی به حساب می‌آید؛ بنابراین باید متعلم به نیت شکر این نعمتهای الهی، به فراگیری علوم پردازد.

۳- دوران تحصیل

زرنوجی معتقد است تعلم و فراگیری علم مخصوص دوره‌ای از زندگی انسان نیست و مطلوبیت آن و کم کردن جهل به زمان خاصی محدود نمی‌شود؛ بلکه از کودکی آغاز می‌شود و تا پایان عمر ادامه می‌یابد. بویژه علم فقه که دامنه آن بسیار وسیع است و تعلم همه مسائل و فروع آن در دوره خاصی از زندگی میسر نیست. علاوه بر این که همواره موضوعها و مشکلات جدیدی پدید می‌آید که حکم آن نیاز به بررسی و تفقه تازه دارد؛ بنابراین فراگیری در فقه باید همچنان ادامه داشته باشد. محمد بن الحسن (۷) فقیه حنفی می‌گوید: تعلم رشته علمی ما (فقه) تمام عمر را می‌طلبد و اگر کسی می‌خواهد زمانی آن را رها کند، اصلاً وارد نشود. زرنوجی پس از نقل این کلام، برای اثبات این حقیقت که تعلم محدود به دوره یا شرایط خاصی از زندگی نیست، به دورانهای تحصیل فقه و جدیت آنها برای یادگیری، در سنین پیری یا در بستر بیماری، اشاره می‌کند و تأکید می‌ورزد که متعلم در همه دورانهای زندگی و در همه اوضاع و احوال، باید کمال استفاده را ببرد تا به یادگیری بیشتری برسد. (زرنوجی، ص ۱۳، ۱۷، ۱۹).

زرنوجی گرچه تعلم را به دوره‌ای خاص محدود نمی‌داند، ولی بهترین دوره‌ها را برای تحصیل، دوره‌های کودکی، نوجوانی و اوایل دوره جوانی ذکر می‌کند. زیرا در این دوره‌ها آمادگی فرد از نظر رشد بدنی، عقلانی، عاطفی و ... نسبت به دوره‌های نوزادی، میان‌سالی و کهن‌سالی، در یادگیری بیشتر و مناسب‌تر است. برای همگان روشن است که این دوره‌ها تداوم ندارند و خواه ناخواه تمام می‌شوند؛ بنابراین نباید این فرصتها را از دست داد و فراگیری را به دوره‌های بعد موکول کرد (زرنوجی، ص ۱۷۸).

۴- پیشرفت تحصیلی

چگونگی موفقیت متعلم در یادگیری و پیشرفت تحصیلی، مورد توجه و تأکید زرنوجی است. او در کتابش هم به عوامل پیشرفت پرداخته و هم موانع موفقیت در تحصیل را

برشمرده است و چون در نظر وی، رفع موانع و درهم شکستن آنها خود از عوامل است، ما بحث از عوامل و موانع را یک جا و تحت عنوان عوامل پیشرفت مطرح می‌کنیم.

عوامل موفقیت متعلم و فراگیری علوم، عبارتند از:

الف. بلندهمتگی و جدیت

به نظر زرنوجی، همت بلند و جدیت عامل اساسی دز فراگیری علوم به حساب می‌آید و در رأس امور دیگر قرار دارد. متعلم با داشتن آرزو و هدف ارزشمند و اهتمام به تحصیل می‌تواند در کسب معارف بشری موفق گردد و به اندازه همتش به دامنه‌های علوم پرواز کند و به تدریج به فتح قله‌های آن، یکی پس از دیگری، نایل شود. هرچه همت بلندتر و عالی‌تر باشد، در امر تحصیل موفقیت بیشتری نصیب او می‌گردد. البته همت بلند آن هنگام قرین توفیق است که با جدیت و کوشش همراه باشد و اگر متعلم در یکی از آن دو ضعیف باشد، موفقیت چندانی در تحصیل به دست نمی‌آورد؛ زیرا دون‌همتگی، نداشتن انگیزه برای تحصیل است و سستی آفت پیشرفت (زرنوجی، ص ۹۸).

زرنوجی در ترغیب متعلم به داشتن همت عالی، به حدیث نبوی (ص) تمسک می‌کند که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ مَعَالِيَ الْأُمُورِ وَ يَكْرَهُ سَفْسَافَهَا»؛ یعنی خدا دوست دارد که افراد به امور عالی و باارزش بیندیشند و اندیشه آنها را در امور پست و کم‌ارزش دوست ندارد (زرنوجی، ص ۹).

وی همچنین کلام حکمای مشاور ذوالقرنین را به عنوان مصداق همت بلند نقل می‌کند که به او توصیه کردند همتش فقط استیلا بر ملک دنیا نباشد، بلکه ملکه دنیا و آخرت را طالب باشد (زرنوجی، ص ۹۸).

او در مورد جدیت و کوشش فعال برای تحصیل علم، با ذکر آیه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (عنکبوت، ۶۸) و آیه «يَا بَيْتُ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ» (مریم، ۱۲) توجه می‌دهد که جدیت و کوشش همراه با خواستن و همت بلند عامل موفقیت در هر امری است و صرف خواستن و آرزو داشتن، بدون فعالیت جدی، شخص را به هدف نمی‌رساند (زرنوجی، ص ۷).

از نظر زرنوجی تنها جدیت و همت خود متعلم هم برای پیشرفت تحصیلی وی کافی نیست، بلکه معلم و والدین نیز باید در امور متعلم جدیت کنند. در حقیقت، تعلم و فراگیری متعلمان به جدیت و کوشش هماهنگ سه دسته بستگی دارد: معلمان، اولیا و متعلمان (زرنوجی، ص ۷).

ب. انتخاب رشته تحصیلی با مشورت معلم

در انتخاب رشته علمی، استعداد، توان‌مندی و علاقه متعلمان باید مورد توجه قرار گیرد. متعلمان باید سعی کنند در رشته‌ای به تحصیل پردازند که علاوه بر علاقه، استعداد فراگیری آن را نیز داشته باشند. هماهنگی رشته علمی با استعداد و علاقه متعلم از عوامل پیشرفت تحصیلی است.

زرنوجی به دلیل اهمیت این موضوع و نقش آن در موفقیت متعلم برای کسب مدارج علمی و برای جلوگیری از تضییع وقت متعلمان و زیادی درصد احتمال اشتباه آنان در انتخاب رشته مناسب، توصیه می‌کند که آنها خود به طور مستقل به انتخاب رشته اقدام نکنند، بلکه با معلمان آگاه و باتجربه نیز مشورت نمایند. زیرا آنان بهتر از هرکس دیگر می‌توانند تشخیص دهند که برای متعلمان (با توجه به تفاوت‌های فردی و استعدادها و علاقه‌های گوناگون) چه رشته‌ای مناسب‌تر و شایسته‌تر است؛ حتی آنان بیشتر از دیگران توانایی دارند که با توجه به فواید و نتایج مادی و معنوی رشته‌های مناسب، در آنها انگیزه و علاقه ایجاد کنند یا علاقه آنها را نسبت به رشته نامناسب سلب نمایند.

زرنوجی در تأیید عقیده خود مبنی بر لزوم مشورت با معلم در انتخاب رشته، تجربه نسل‌های گذشته را یادآور می‌شود و از استادش برهان‌الدین (۸) چنین نقل می‌کند که در گذشته متعلمان، امور تحصیلی خویش را به استادان و معلمان خود واگذار می‌کردند و با هدایت و راهنمایی‌های آنان در امر تحصیل موفق می‌شدند و به مقاصد و اهداف عالی آموزشی هم می‌رسیدند؛ نظیر محمد بن اسماعیل بخاری که آموختن را با «کتاب الصلاة» در رشته فقه پیش محمد بن الحسن آغاز کرد، اما پس از چندی استاد متوجه شد که وی استعداد فراگیری علم حدیث را بیشتر از فقه دارد؛ از این رو او را راهنمایی کرد که به آموختن علم حدیث پردازد. او هم پذیرفت و به تحصیل آن پرداخت و چنان پیشرفت کرد که بر همه دانشمندان این رشته پیشی گرفت. اما امروزه از آنجا که متعلمان خودرأی هستند و در امور مربوط به یادگیری و تحصیل، خود تصمیم می‌گیرند و با معلمان هیچ مشورت نمی‌کنند، در امر تحصیل و نیل به مقاصد و اهداف، موفق نیستند. به همین دلیل هم ما شاهد افت تحصیلی آنان هستیم (زرنوجی، ص ۶).

پ. تقویت حافظه

هوش و حافظه از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز یادگیری و کسب بصیرت است؛ از این رو متعلم باید در جهت رشد هوشی و تقویت حافظه خود کوشش کند تا بتواند به پیشرفتهای علمی نایل شود.

زرنوجی هوش و حافظه را از هم جدا نمی‌داند و از هر دو به عنوان حافظه یاد می‌کند. او در حقیقت، حافظه را «مجموعه هوش و قدرت فهم و توانایی نگهداری و یادآوری و تشخیص» می‌داند و از این رو توصیه می‌کند متعلم برای پیشرفت علمی خود، قبل از اقدام به حفظ مسائل آنها را خوب بفهمد و تا مطلبی را خوب نفهمیده آن را حفظ نکند. به نظر وی متعلمی که عادت پیدا می‌کند مطالب را بدون بینش حفظ کند به تدریج قدرت فهمش کاسته می‌شود و تا آنجا تنزل پیدا می‌کند که مطالب ساده را هم به آسانی نمی‌فهمد؛ به طور مسلم چنین متعلمی در تحصیل موفق نخواهد شد (زرنوجی، ص ۱۲). اهمیت حافظه و نقش آن در

یادگیری موجب شده است تا وی فصل مستقلی از کتابش را به تقویت هوش و حافظه اختصاص دهد و امور متعددی را که به نظرش باعث تقویت حافظه می‌شود، ذکر کند (زرنوجی، ص ۲۱). ما در این جا به تعدادی از این امور اشاره می‌کنیم:

- ۱- کوشش جدی در فراگیری و فهم مطالب.
 - ۲- حفظ کردن منظم و تدریجی مطالب، بویژه قرآن و تکرار مرتب آن؛ به این صورت که درس دیروز ۵ بار، درس پیروز ۴ بار، درس پس‌پیروز ۳ بار، درس روز قبل از آن دوبار و درس قبل از آن یک‌بار تکرار شود.
 - ۳- کم کردن علاقه و مشغولیات ذهنی بیهوده یا کم‌ارزش دنیوی.
 - ۴- مسواک کردن.
 - ۵- خوردن برخی از مواد و میوه‌ها، مانند عسل، کندر همراه شکر، کشمش سرخ و مصرف موادی که باعث کمی بلغم و رطوبت بدن می‌شود (زرنوجی، صص ۱۵ و ۱۹ و ۲۱ و ۲۲).
 - ۶- پرهیز از آنچه موجب نسیان می‌شود، مانند پرخوری و مصرف برخی از میوه‌ها همچون سیب ترش و ...
- وی قرائت قرآن، نماز با خشوع، بویژه نماز شب و صلوات بر پیامبر (ص) را نیز از عوامل تقویت حافظه می‌داند.
- ت. توجه و تمرکز حواس
- از مهم‌ترین عوامل یادگیری، توجه و تمرکز حواس و اجتناب از موانع آن است. یعنی متعلم هنگام درس و مطالعه و مباحثه، فقط به مسأله موردنظر، توجه کند و از عواملی که موجب اختلال در توجه و تمرکز حواس می‌شود پرهیز نماید.
- از نظر زرنوجی مشغولیت ذهنی و علاقه‌های دنیوی، پرداختن به کارهای دیگر در ضمن درس و مطالعه، ناراحتیهای روانی ناشی از مباحثات جدلی و گناه از موانع فهم صحیح و عمیق است و باعث افت علمی متعلم می‌شود. بر متعلم لازم است تا حد توان از علایق دنیوی و آنچه موجب مشغولیات ذهنی و قلبی می‌شود بکاهد و حتی غربت را برای فراگیری علوم برگزیند تا روابط عاطفی و ستهای اجتماعی و قومی، او را به خود مشغول نسازد. همچنین باید در مذاکرات و مباحثات از عصبانیت، بحثهای هیجانی، کوشش زیاد برای اثبات نظر و رأی خود و حيله و جدال در بحث، اگرچه حق با او باشد، اجتناب کند (زرنوجی، ص ۱۲ و ۱۳ و ۱۶ و ۱۷).
- همچنین از نظر زرنوجی گناه نیز مانعی مهم در پیشرفت تحصیلی است و در مقابل، ورع و تقوی عامل ترقی متعلم است. متعلم هرچه باورع‌تر و باتقواتر باشد، فراگیری او آسان‌تر و عمیق‌تر بوده بدین وسیله راه ترقی برای او هموارتر می‌شود (زرنوجی، ص ۲۰).

به نظر وی فترت و ایجاد فاصله زمانی در مقاطع تحصیلی نیز از آن جهت که توجه و تمرکز متعلم را در رشته علمی قطع می‌کند، از موانع پیشرفت تحصیلی به حساب می‌آید؛ به همین دلیل فترت بین مقاطع تحصیلی را آفت تحصیل ذکر می‌کند و موفقیت استادش برهان الدین را در پیشرفتهای علمی مرهون پیوستگی تحصیل او دانسته از وی نقل می‌کند که او بارها می‌گفت علت این که من از دوستان و همکلاسیهای خود در فراگیری علم پیشی گرفته‌ام، این است که هیچ فترتی در تحصیل من ایجاد نگردید (زرنوجی، ص ۱۶).

ث. دقت، مطالعه و تمرین

متعلم باید در فراگیری درس بسیار دقیق باشد و سعی کند آن را به خوبی بفهمد تا نیازی به آموزش مکرر نداشته باشد (زرنوجی، ص ۱۲ و ۱۳). زرنوجی بر این نظر است که اگر متعلم دقت کافی در درک درس نکند و به این نیاز پیدا کند که معلم آموزش را دوباره یا چندباره تکرار نماید، پس از اندک زمانی شرطی می‌شود و بدون تکرار آموزش، درس را هرگز یاد نمی‌گیرد. عادت به این شیوه، یادگیری را برای او مشکل می‌سازد و ترک این عادت، جز با کوشش بسیار و در درازمدت، میسر نخواهد بود.

همچنین متعلم باید درس را با دقت مطالعه کند و در آن بسیار تأمل نماید و با تمرین، مطالعه مکرر و اندیشه‌ورزی، دقایق و جزئیات مطالب را فهم کرده به بصیرت و بینش برسد (زرنوجی، ص ۱۲).

از نظر زرنوجی مطالعه، تمرین و اندیشه‌ورزی، در صورتی باعث موفقیت متعلم در یادگیری و پیشرفت تحصیلی وی می‌شود که در موقعیت مناسب روانی انجام شود؛ یعنی هنگامی که احساس توانمندی و نشاط دارد و خسته و ناراحت نیست (زرنوجی، ص ۱۵).

زرنوجی برای رفع خستگی و ادامه مطالعه همراه با نشاط و توانمندی، شیوه تغییر موضوع و متنوع ساختن مطالعه را توصیه می‌کند و از تجربه ابن عباس و محمد بن حسن، استاد بخاری، در این زمینه یاد می‌کند و می‌گوید آنها اگر از مطالعه یک موضوع علمی خسته می‌شدند به مطالعه دیگری می‌پرداختند. برای مثال ابن عباس اول علم کلام را مطالعه می‌کرد و هنگام احساس خستگی، دیوان شعرا را می‌خواند. شیوه محمد بن حسن هم این بود که کتابها و دفترهای متعدد را در کنار خود می‌گذاشت تا هنگامی که از مطالعه یکی خسته می‌شد، به مطالعه دیگری پردازد.

ج. استفاده کامل از وقت

از عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی استفاده درست از وقت است. متعلم نباید وقت خود را به بطالت بگذراند، بلکه با توجه به اوضاع و موقعیتهای مناسب و با برنامه‌ریزی درست باید از ساعات و لحظات عمر دانش طلبی خویش، جهت یادگیری بیشتر، فهم عمیق مسائل و ارتقا و کمال خود استفاده کند. به نظر زرنوجی مسائل و علوم مورد نیاز انسان

بسیار و وقت برای تحصیل محدود است. متعلم به هر اندازه که وقت خود را بیهوده بگذراند، به همان میزان خسران و زیان می‌بیند و از پیشرفت تحصیلی باز می‌ماند. از این رو او توصیه می‌کند که متعلم در شب کمتر بخوابد و از خلوت شب، استفاده کند و ساعات اول شب و ساعت‌های سحر را که وقت مبارکی است، به مطالعه پردازد و در روز هم سعی کند ذهن خویش را به امور غیردرسی و بی‌ارزش، به‌خصوص گناه، مشغول نسازد و حتی همیشه کتابی را با خود همراه داشته باشد تا در تمامی موقعیتهای مناسب به مطالعه پردازد و از اوقات خود کمال استفاده را ببرد و به این ترتیب در پیشرفت علمی موفق شود (زرنوجی، ص ۲۱ و ۱۹).

همچنین متعلم باید در صدد باشد تا از هر استاد و عالمی بهره ببرد و همیشه قلم و دفتر همراه داشته باشد تا هر مطلب مفیدی را که می‌شنود یا می‌خواند، یادداشت کند و به این فرموده پیامبر (ص) عمل کند که برای جلوگیری از ضایع شدن وقت و اعاده و تکرار مطالب، به اصحاب خود توصیه می‌فرمود که همیشه «مِخْبَرَه»؛ یعنی مداد و جامدادی همراه داشته باشند، زیرا نوشتن مطالب در نیل به خیر و پیشرفت در علم و حکمت بسیار مؤثر است (زرنوجی، ص ۲۱ و ۱۹).

نیز از استادان و عالمان درباره مسائل مختلف سؤال کند و نظرات آنان را بخواهد و به جمع آوری آرا و تجربیات ارزشمند آنان پردازد و از عقل و فهم آنها در رشد عقلی و هوش و استعداد خود کمک بگیرد تا به پیشرفتهای علمی برسد.

زرنوجی در این زمینه از تجربه ابن عباس و ابوحنیفه یاد می‌کند و کثرت سؤال و کوشش بی‌وقفه آنان را به دست آوردن نظریات دانشمندان در مسائل مختلف، دلیل موفقیت آنها در فراگیری علوم و پیشرفت علمی می‌داند و می‌گوید: در صدر اسلام تعبیر «چه می‌گویی» نام دیگر طالب علم بود، زیرا متعلمان در آن عصر بسیار پرسشگر بودند. نظام تربیتی، آنها را «سؤول» و بسیار پرسشگر تربیت می‌کرد و همین باعث می‌شد آنها در محضر استادان و بزرگان می‌نشستند و به‌طور مستمر می‌گفتند:

«مَا تَقُولُ فِي هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ»

«نظر شما در این مسأله چیست؟»

و بدین صورت در فراگیری علوم موفق می‌شدند و پیشرفت می‌کردند (زرنوجی، ص ۱۴).

ج. مباحثه و مذاکره علمی

از جمله اموری که زرنوجی آن را در یادگیری صحیح و عمیق و پیشرفت تحصیلی بسیار مؤثر می‌داند، مباحثه و گفتگوی علمی متعلمان با یکدیگر است. وی ماهیت بحث و مذاکره علمی را «مشاوره» می‌داند و می‌گوید در مباحثه پس از مطالعه دقیق مسأله و تأمل و اندیشه‌ورزی عمیق درباره آن در صدد برمی‌آیند تا مطالب مورد بحث، شیوه استدلال، نوع

استنتاج و ... یکدیگر را مورد بررسی قرار دهند و با راهنمایی همدیگر به فهم دقیق تری از مسأله برسند و به کشف حقیقت نایل شوند تا بدین وسیله به پیشرفت علمی یکدیگر کمک کنند. وی مباحثه را نسبت به مطالعه مکرر، در یادگیری و پیشرفت متعلمان مؤثرتر می‌داند؛ زیرا در مباحثه، علاوه بر مطالعه و دقت، کمک و هدایت مباحثه کنندگان به یکدیگر در فهم دقیق تر مسأله نیز وجود دارد. حتی در اهمیت مباحثه، در مقایسه با مطالعه مکرر، گفته شده است یک ساعت مباحثه از یک ماه مطالعه مکرر مفیدتر است (زرنوجی، ص ۱۲ و ۱۳).

رشد علمی و اخلاقی متعلمان، هر دو، مورد توجه زرنوجی است و بر همین اساس تأکید دارد که متعلمان هم‌بحث باید بدون هرگونه هیجان، خشم، اضطراب و شدت و حدت، به مباحثه بنشینند و هیچ‌گاه در صدد اغفال یکدیگر بر نیایند و سعی نکنند لغزش یکدیگر را به رخ بکشند. آنها باید برای روشن شدن بهتر مسأله و کشف حقیقت بکوشند و با روحیه همکاری و تعاون و انصاف با یکدیگر برخورد نمایند و اگر یکی از مباحثه کنندگان رفتار شایسته نداشته باشد، دیگران بحث با او را تعطیل کنند و از او کناره بگیرند تا به خاطر هم‌نشینی با او، تحت تأثیر اخلاق و رفتارش قرار نگیرند. زرنوجی در این بحث تأثیر هم‌نشینی را در یادگیری یادآور می‌شود. او معتقد است مباحثه مستمر و هم‌نشینی مباحثه کنندگان با یکدیگر، در تعلیم و تربیت آنها بسیار تأثیر دارد. بنابراین اگر طرف مباحثه خوب و شایسته نباشد و رفتارهای نابهنجار از خود بروز دهد، چه بسا دیگر مباحثه کنندگان هم تحت تأثیر اخلاق و رفتار او قرار بگیرند (زرنوجی، ص ۱۳).

ح. درآمد مناسب

از جمله عواملی که زمینه پیشرفت تحصیلی متعلمان را فراهم می‌سازد این است که متعلمان از درآمد مناسبی برخوردار باشند تا در هزینه زندگی دچار مشکل نشوند و دغدغه خاطر پیدا نکنند. همچنین بتوانند کتابها و لوازم تحریر مورد نیاز تحصیل را تهیه کنند، زیرا اینها ابزار کار متعلمان است و در موفقیت آنان بسیار تأثیر دارد.

برای منظور فوق زرنوجی دو راه حل ارائه می‌دهد: یکی این که ثروتمندان دارایی خود را جهت تهیه امکانات لازم برای آموزش و پرورش متعلمان و تأمین هزینه زندگی آنان انفاق کنند. دوم این که متعلمان سنین بالاتر (که پدر غنی و ثروتمند ندارند و از انفاق ثروتمندان هم بهره‌ای نمی‌جویند) حرفه‌ای را بیاموزند و شغلی را انتخاب کنند و درآمد مناسبی به دست آوردند تا در هزینه زندگی و تهیه امکانات تحصیل با مشکل روبه‌رو نشوند. این شیوه‌ای است که در صدر اسلام معمول بوده و همین امر زمینه موفقیت متعلمان را در فراگیری علوم و معارف مختلف فراهم می‌ساخته است. در طی قرون گذشته نیز بسیاری از دانشمندان، چون ابوحنیفه و ابوحنفص کبیر (۹) و دیگران، از این شیوه پیروی کرده در تحصیل علوم، بویژه فقه پیشرفتهای بسیار زیاد به دست آورده‌اند (زرنوجی، ص ۱۴ و ۱۵).

خ. امور معنوی و اخلاقی

زرنوجی امور معنوی و اخلاقی را نیز زمینه‌ساز پیشرفت تحصیلی متعلم ذکر می‌کند. این عامل مربوط به اخلاق متعلم است که بخش دیگری از آرای زرنوجی را در تعلیم و تربیت تشکیل می‌دهد.



توضیحات

- ۱- عبدالدائم، عبدالله: التریبة عبر التاريخ من العصور القديمة الى اوائل القرن العشرين، ص ۲۶۰، دارالعلم للملایین، بیروت و عطیه، احمد: القاموس الاسلامی، ج ۳، ص ۵۹، مکتبة النهضة المصرية، قاهره.
- ۲- در تاریخ وفات زرنوجی نظریات مختلف دیگری وجود دارد. ر. کک به دائرة المعارف الاسلامیة، ج ۱۰، ص ۳۴۵-۳۴۶، دارالمعرفة، بیروت.
- ۳- وی مؤلف کتاب «الهدایة فی فروع الفقه» است. او اهل شهر فرغانه واقع در آسیای مرکزی است و تأثیر زیدی بر زرنوجی داشته است؛ به همین دلیل در همه منابعی که از زرنوجی نام برده شده، با تعبیر «تلمیذ صاحب الهدایة» از او تعریف به عمل آمده و به دیگران معرفی شده است. همین تعبیر در روی جلد کتاب زرنوجی نیز نگاشته شده است.
- زرنوجی در صفحان ۴، ۱۱، ۱۶، ۱۷ و ۱۹ کتاب خود از وی به عنوان «استاذنا» یاد کرده و در این مورد در صفحه‌های ۶، ۱۰، ۳۱ و... مطالب تربیتی از وی نقل می‌کند.
- ۴- رجوع شود به دائرة المعارف الاسلامیة، ج ۱۰، ص ۳۴۵ و ۳۴۶، دارالمعرفة، بیروت.
- ۵- تعلیم المتعلم طریق التعلّم، ص ۵ و ۱۶.
- ۶- ابرویوسف، یعقوب بن ابراهیم بن حبیب کوفی (۱۱۳-۱۸۲ هـ ق مطابق با ۷۳۱-۷۹۸ میلادی) شاگرد ابوحنیفه و از فقهای صاحب نظر در فقه حنفی است.
- ۷- استاد محمدبن اسماعیل بخاری (۱۹۴-۲۵۶ هـ ق) صاحب کتاب صحیح بخاری، که از معتبرترین صحاح سنة اهل سنت وی در فقه تابع ابوحنیفه است.
- ۸- وی برهان‌الدین علی ابن ابی بکر فرغانی (متوفای ۵۹۳ هـ ق) (۱۱۹۷ م) و مؤلف کتاب «الهدایة فی فروغ الفقه» است.
- ۹- همان، ص ۱۵، نام ابو حفص کبیر احمدبن حفص است. وی شاگرد محمدبن حسن بوده و در زمان محمد بن اسماعیل بخاری می‌زیسته است.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی